

علی جاسم تمیمی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۲/۱۵

چکیده

از جمله مسائلی که در بحث امنیت بین‌الملل در چند دهه اخیر مطرح شده است، مسایل دولت‌های فرومانده می‌باشد. این دولت‌ها دارای آثار و پیامدهای متفاوتی بر حوزه‌های گوناگون روابط بین‌الملل می‌باشند. دولت عراق از جمله کشورهای فرومانده‌های است که در سال‌های اخیر نیز در روابط بین‌الملل مورد توجه قرار گرفته است. در این پژوهش در پی آن هستیم که به بررسی تاثیر دولت عراق به‌عنوان یک دولت فرومانده بر امنیت بین‌الملل بپردازیم. سوال اصلی پژوهش ما بر این امر استوار است که دولت فرومانده عراق چه تاثیری بر امنیت بین‌الملل خواهد داشت؟ در فرضیه نیز مسایل مختلف که ناشی از دولت فرومانده عراق است و امنیت بین‌الملل را تحت تاثیر قرار می‌دهد را بررسی می‌کنیم و نشان می‌دهیم که عدم توانایی دولت در حل مشکلات زمینه‌ساز ناامنی در این کشور و در نتیجه جهان بوده است. بر اساس نظریه مکتب کپنهاک، ضعف و درماندگی دولت عراق زمینه را برای شکل‌گیری سه نوع تهدید اجتماعی، اقتصادی_ تجاری و فیزیکی برای فضای بین‌الملل فراهم ساخت. این کشور به‌عنوان مصداق کشور فرومانده، فاقد بسیاری از معیارهای امنیت انسانی و اثربخشی است و متعاقب آن نیز حاکمیت قانون، کنترل فساد و آزادی مردم معنای خود را برای شهروندان در عراق از دست داده است. تهدیدهای همچون بیکاری، وضعیت نامناسب اقتصادی، فقر، نبود نظام آموزشی پایدار، مهاجرت، بیماری‌های عفونی، قاچاق و آوارگی... از مهمترین مولفه‌ها و تهدیدهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی می‌باشند که دولت‌های فرومانده‌ای نظیر عراق نیز می‌تواند از عاملان اصلی شکل‌گیری چنین تهدیدهایی در نظام بین‌الملل محسوب شود.

واژگان کلیدی: دولت فرومانده، عراق، امنیت بین‌الملل، تروریسم، امنیت اجتماعی، امنیت اقتصادی.

مقدمه

از زمان شکل‌گیری روابط بین‌الملل، دولت به‌عنوان مهمترین بازیگر و شکل‌دهنده اساسی در دنیای واقعی و روابط بین‌الملل شناخته شده است. از گذشته دولت به‌عنوان مامن و حافظ جان انسان شناخته شده و در دیدگاه بسیاری از نظریه‌پردازان اولیه نیز این مسئله مورد توجه قرار گرفته است. هابز^۱ از جمله کسانی محسوب می‌شود که دولت را به‌عنوان یک موجودیت برای حفظ امنیت انسان مورد شناسایی قرار داده و بر ضرورت آن تاکید می‌ورزید. درواقع آنچه را هابز لویاتان^۲ یا دولت نام نهاده یک دیوان عالی است که از راه اعمال قدرت، صلح را برای وضع مدنی تامین می‌کند. از دید هابز، دولت یا «خداوند میرا» سایه «خداوند جاودان» است و آدمیان «صلح و آرامش و امنیت» خویش را مدیون او هستند و تکوین آن با توافقی است که میان جماعتی صلح‌طلب برای اعطای قدرت خود به یک نفر صورت می‌پذیرد (شریعت، ۱۳۸۲: ۷۷). در فضای بین‌الملل نیز بیش از هر دیدگاهی، رئالیست‌ها^۳ دولت را اساس و کانون توجه خود قرار داده‌اند. ناامنی از این منظر به معنای وجود تهدید علیه بقای دولت‌هاست و امنیت افراد نیز در این چارچوب قرار می‌گیرد.

لذا وجود امنیت افراد وابسته به امنیت دولت‌ها بوده و هر چه دولت‌ها از قدرت بیشتری برخوردار بوده و ثبات بیشتری داشته باشند می‌توانند از امنیت بیشتری نیز برخوردار گردند. یکی از مسائلی که در رابطه با بحث امنیت بین‌المللی از جایگاهی اساسی برخوردار است بحث دولت‌های فرومانده است که نه‌تنها برای تابعان آن بلکه برای امنیت بین‌الملل نیز خطرآفرین است و می‌تواند امنیت بین‌الملل را به چالش بکشد. از جمله کشورهایی که جزو دولت‌های فرومانده محسوب می‌گردد دولت عراق است. عراق پس از فروپاشی صدام حسین و ورود ایالات متحده به خاک آن نمونه یک دولت فرومانده^۴ بوده است که نتوانسته است حاکمیت خود را به‌طور موثر بر سرزمینش اعمال نماید. در هر چهار حوزه سیاسی، اقتصادی، رفاه اجتماعی و بحث امنیت دولت عراق نتوانسته است به نیازهای شهروندان خود پاسخ‌گو باشد و لذا این مسئله موجب شده است که دولت از کارآمدی لازم برخوردار نباشد. عراق در زمینه‌های مربوط به اقتصاد نمونه یک اقتصاد

1. Thomas Hobbes.
2. Leviathan.
3. Realism.
4. Failed state.

ورشکسته بوده و در حوزه رفاه اجتماعی نیز از بسیاری از استانداردهای مربوط دور است. همه این مسایل تأثیری بنیانی را در حوزه امنیت چه در حوزه داخلی و چه در حوزه بین‌المللی داشته است. در زمینه داخلی بی‌ثباتی سیاسی و منازعه میان گروه‌های مختلف موجب شده است که امنیت از شهروندان سلب گردیده و حداقل نیازهای امنیتی شهروندان که حفظ بقا می‌باشد نیز تأمین نگردد. با رشد گروه تروریستی داعش^۱ در عراق بیش‌ازپیش امنیت شهروندان به خطر افتاده است و دولت در این زمینه بسیار ضعیف عمل نموده است. همین مسئله موجب شده است که گروه‌ها و دولت‌های مختلفی در مسایل داخلی این کشور مداخله نمایند. بُعد دیگر تأثیر وضعیت دولت عراق مربوط به امنیت بین‌المللی می‌باشد که در بحث حاضر در پی بررسی آن می‌باشیم. درواقع سوال اصلی ما در این پژوهش این است که دولت عراق به‌عنوان یک دولت فرومانده چه تأثیری بر امنیت بین‌الملل خواهد داشت. به‌منظور پاسخ‌گویی به سوال پژوهش، در این تحقیق به بررسی خصوصیات دولت عراق به‌عنوان یک دولت فرومانده و تأثیر آن بر امنیت بین‌الملل خواهیم پرداخت. لذا فرضیه ما در این پژوهش این است که دولت ورشکسته عراق از علل اصلی ناامنی در این کشور بوده است. روشی که برای پاسخ‌گویی به سوال پژوهش نیز بکار برده شده است از نوع تبیینی می‌باشد. بدین‌صورت که ما به بررسی رابطه بین دو متغیر، مسئله امنیت و دولت ورشکسته عراق می‌پردازیم و ارتباط بین آنها را موردبررسی قرار می‌دهیم.

دولت و امنیت بین‌الملل

دولت یک اصل اساسی و مبنای روابط بین‌الملل می‌باشد و امنیت بین‌الملل نیز در چارچوب دولت‌های ملی امکان‌پذیر می‌گردد. دیدگاه‌های اولیه در روابط بین‌الملل امنیت را در گرو دولت می‌دانند و به‌نوعی به دولت هابزی اعتقاد داشته و دولت را به‌عنوان مرکز و اساس امنیت انسانی موردتوجه قرار می‌دهند. واقع‌گرایی به‌عنوان پیشگام مطالعات امنیتی درواقع تصویری «دولت‌محور» از جهان به دست می‌دهد و دولت را محور اصلی در روابط بین‌الملل می‌داند. این نظریه، وجود دولت را مفروض می‌گیرد و از امکان تحول دولت به‌ویژه در عرصه بین‌الملل بحثی به میان نمی‌آورد؛ بنابراین، دولت عالی‌ترین شکل سازماندهی سیاسی است و چیزی فراتر از آن متصور

1. Islamic State of Iraq and sham.

نیست. دولت‌ها به‌طور عقلانی رفتار می‌کنند و فقط در پی منافع خود هستند؛ بنابراین به‌طور عقلانی نیز برای دیگران قابل‌درک می‌باشند. مسایل بین‌المللی بر مبنای مفروضات فوق بدین‌گونه تحلیل می‌شوند که دولت‌ها به‌عنوان بازیگرانی انفرادی و یا از طریق ائتلاف باهم می‌توانند تهدیداتی را ایجاد نمایند. کنش و واکنش دولت‌ها بدین‌صورت تحلیل می‌شود که آنها صرفاً بر مبنای سیاست‌های اعلامی خود و یا بر اساس ملاحظات اخلاقی رفتار نمی‌کنند، بلکه در پی کسب، افزایش و حفظ قدرت خویش هستند (رضایی، ۱۳۸۴: ۱۱۰). دولت‌ها در فضایی به رقابت می‌پردازند که ناامنی یکی از اصول آن بوده و لذا دولت‌ها باید برای حفظ امنیت خود در یک فضای مبتنی بر معمای امنیتی^۱ به فکر افزایش هرچه بیشتر قدرت باشند. تئوری معمای امنیتی به ما می‌گوید که در یک فضای آنارشیک عزم برای ارتباطات موفق با دیگران دشوار است؛ چراکه خود حفاظتی اغلب تحت ترس و فشار دیگران است (Mitzen, 2006: 352).

طبق این دیدگاه، حافظ اصلی انسان در مقابل خشونت، دولت بوده و فرض فروپاشی و ضعف دولت می‌تواند امنیت انسانی را به‌شدت در خطر اندازد. اگرچه دیدگاه‌های جدید مانند پساساختارگرایی^۲ در پی نقد ریشه‌ای دولت می‌باشد؛ اما برخی از دیدگاه‌های غیر رئالیستی مانند سازه‌نگاری^۳ و لیبرالیسم^۴ همچنان می‌پذیرند که دولت مهمترین بازیگر بین‌المللی بوده و بدون وجود آن سرنوشت بدی در انتظار امنیت انسانی خواهد بود. درواقع نولیبرالیسم^۵ اگرچه به نقش نهادها توجه دارد؛ اما نسبت به نقش پررنگ دولت‌ها بی‌توجه نیست؛ بنابراین در عصر حاضر نیز دولت - سازی همچنان تبدیل به یک عنصر مهم و جدید از امنیت بین‌المللی شده است و تاکید بر دولت و نهادهای آن نشان دهنده یک نقطه اشتراک در سراسر زمینه‌های مختلف شامل امنیت بین‌المللی، توسعه، ثبات مالی جهانی و خاتمه جنگ داخلی است (T. Call, 2010: 303)؛ بنابراین اگرچه نظریات جدید نوع جدیدی از امنیت را مانند امنیت محیط‌زیست مورد توجه قرار می‌دهند؛ اما بسیاری از آنها دوری جستن از دولت را مدنظر قرار نمی‌دهند.

1. Security Dilemma.
2. Post-structuralism.
3. Constructivism.
4. Liberalism.
5. Neo liberalism.

دولت‌های فرومانده

اصطلاح دولت‌های فرومانده در دهه ۱۹۹۰ بکار برده شد و دولت سومالی که در آن دولت ملی کاملاً از بین رفت یک نقش مهم را در مورد دولت و دولت‌های فرومانده ایفا نمود. دو مورد از کارهای اولیه که در این رابطه صورت گرفته است مربوط به مقاله دولت‌های فرومانده هلمن^۱ و راتنر^۲ در سال ۱۹۹۳ در مجله سیاست خارجی^۳ و همچنین کار دولت‌های فروپاشیده^۴ مربوط به زارتمن^۵ در سال ۱۹۹۵ می‌باشد. هلمن و راتنر دولت‌های فرومانده را این‌گونه تعریف کردند «دولت‌هایی که واقعاً به‌عنوان یک وجود مستقل قادر به عملکرد نیستند» مانند هائیتی، یوگسلاوی، سودان و... زارتمن نیز دولت‌های فروپاشیده را این‌گونه تعریف می‌کند: «کارویژه‌های اساسی دولت برای مدت طولانی قابل اجرا نیستند» مثل کنگو، چاد و سومالی (T. Call, 2008: 1492). به‌هرحال در رابطه با دولت‌های فرومانده مفاهیم مختلفی بکار برده شده است که معمولاً به لحاظ خصوصیتی که دارند یکسان می‌باشند و به یک پدیده اشاره دارد. به‌عنوان مثال برخی آن را با عنوان دولت‌های فرومانده، برخی دولت‌های شکننده و برخی نیز آنها را با نام دولت‌های فرومانده بکار می‌برند. درواقع ادبیات دولت‌های فرومانده یا شکننده^۶ ویژگی‌های خاصی را از یک سرزمین مشخص می‌کند که در آن دولت، ناتوان و بی‌میل به انجام کارویژه‌ها و نقش‌های اصلی مربوط به مدل وبری دولت می‌باشد. این مسئله به زنجیره‌ای از وضعیت‌هایی اشاره دارد که دولت نمی‌تواند به چالش‌های امنیتی و حکومتی در درون مرزهای ملی خود پاسخ‌گو باشد. این نیز خود به طیف گسترده‌ای از سوالات پیرامون مشروعیت نهادهای دولت، اقتدارش بر سرزمین و ظرفیتش برای ارائه خدمات اساسی به مردم در زمان بحران سیاسی و اقتصادی نیز مربوط می‌شود (Nay, 2013: 329-327).

دولت_ملت‌ها برای تامین ارزش‌های سیاسی برای شهروندان خود از قبیل امنیت، آموزش، خدمات بهداشتی، فرصت اقتصادی، حفظ محیط‌زیست، ایجاد چارچوبی قانونی برای برقراری نظم و یک سیستم قضایی برای اعمال آن و تامین تاسیسات زیر بنایی اساسی از قبیل جاده و

1. GB Helman.
2. SR Ratner.
3. Foreign Policy.
4. Collapsed States.
5. WI Zartman.
6. Fragile.

تسهیلات ارتباطی است که وجود دارند. دولت‌های فرومانده این تعهدات را زیر پا می‌گذارند. آنها در برابر جنگسالاران و سایر بازیگران غیررسمی روزبه‌روز کارآیی خود را به‌عنوان تامین‌کنندگان ارزش‌های سیاسی از دست می‌دهند؛ به عبارت دیگر، یک دولت فرومانده دیگر نمی‌تواند یا تمایلی به اجرای وظایف دولت-ملت در جهان مدرن ندارد. دولت‌های فرومانده قادر به برقراری امنیت-مهمترین و اصلی‌ترین تعهد سیاسی- در تمام قلمرو خود نیستند. شهروندان برای تضمین امنیت خود و فرار از ترس به دولت‌ها و حکومت‌های مرکزی وابسته هستند. از آنجا که یک دولت رو به شکست قادر به ایجاد فضای امن در سراسر کشور نیست و معمولاً به زحمت می‌تواند قدرت دولتی را در بیرون از پایتخت اعمال کند، شکست آن دولت قطعی می‌شود و حتی پیش از آنکه گروه‌های شورشی و سایر مدعیان ساکنان شهرهای مرکزی به دولت غلبه کنند شکست می‌خورد (روتبرگ، ۱۳۸۱: ۱۰۳). موسسات و نهادهای مختلف معیارها و تعاریف مختلفی را برای این دولت‌ها مدنظر قرار داده‌اند. بانک جهانی^۱ آنها را کشورهایی می‌داند که درآمد بسیار اندک دارند؛ برنامه توسعه سازمان ملل^۲ آنها را کشورهایی اعلام می‌کند که نیازمند توجه ویژه هستند. درآمد این کشورها بسیار پایین، اصلاح در دولت‌ها بسیار ناچیز و توسعه انسانی بسیار ضعیف است. با توجه به هرکدام از این معیارها، تعداد کشورهای شکننده و مصادیق آنها در جهان متفاوت خواهد بود (یزدان فام، ۱۳۸۸: ۱۲). همچنین دیدگاه‌ها و نگرش‌های مختلفی نیز پیرامون بررسی دولت‌های فرومانده وجود دارد که معمولاً برخی آن را تحت ۳ عنوان کلی جامعه‌شناختی^۳، سیاسی - حقوقی^۴ و توسعه‌ای^۵ می‌دانند (THURER, 1999: 733). به لحاظ جامعه‌شناختی اغلب مولفه‌های مربوط به مباحث جامعه مانند فقر و... مورد توجه قرار می‌گیرد. در حوزه سیاسی و حقوقی مباحث مربوط به قدرت و مشروعیت مدنظر است. مباحث مربوط به توسعه نیز اغلب بحث گذار و مشخصات مربوط به حوزه توسعه را به کشورهای فرومانده ارتباط می‌دهد. پاتریک^۶ مولفه‌های دولت‌های ضعیف و فرومانده را در کشورهای درحال توسعه در جدول زیر نشان داده است:

1. World Bank.
2. United Nations Development Programme.
3. Sociological.
4. Law -Political.
5. Develoepmental.
6. Stewart Patrick.

شاخص‌های ضعف دولت در کشورهای در حال توسعه

امنیت	رفاه اجتماعی	اقتصادی	سیاسی
۱. شدت درگیری	۱. نرخ مرگ‌ومیر کودکان	۱. درآمد سرانه ملی	۱. اثربخشی دولت
۲. ثبات سیاسی و عدم خشونت	۲. نرخ پایان تحصیل مدرسه ابتدایی	۲. رشد تولید ناخالص داخلی	۲. حاکمیت قانون
۳. شیوع کودتا	۳. سوءتغذیه	۳. نابرابری درآمد	۳. کنترل فساد
۴. نقض فاحش حقوق بشر	۴. دسترسی به آب و بهداشت	۴. نرخ تورم	۴. پاسخگویی
۵. قلمرو تحت تأثیر منازعه	۵. امید به زندگی	۵. کیفیت تنظیم مقررات	۵. آزادی

Source: Patrick (2007).

دولت‌های فرومانده و امنیت بین‌الملل

مفهوم دولت‌های فرومانده در اوایل دهه ۱۹۹۰ وارد فرهنگ سیاسی ایالات متحده شده است و لذا این مسئله موجب شده است که یک جایگاه اساسی را در بحث صلح و امنیت بین‌المللی داشته باشد. پس از حملات ۱۱ سپتامبر توجه به سمت درماندگی افغانستان در جهت جلوگیری از اقدامات القاعده در سرزمینش تمرکز یافت. وضعیت در این کشور و همچنین در دولت‌های مشابه نگرانی‌های در حال رشدی را در مورد پناه دادن و همچنین کمک به تروریسم به وجود آورد. درواقع، واقعه سپتامبر ۲۰۰۱ که با پافشاری رهبران آمریکا بر ضرورت مبارزه با تروریسم و القاعده همراه بود، به تدریج رویکرد مواجهه با دولت‌های ورشکسته یا ناتوان را در دستور کار این دولت قرار داد و همین برداشت امنیتی- استراتژیک بود که بوش^۱ و همراهانش را به تهاجم نظامی به افغانستان ترغیب کرد. تاکید بر نقش دولت‌های ضعیف و فرومانده در شکل‌گیری و تقویت حرکت‌های تروریستی در سند امنیت ملی^۲ ۲۰۰۲ از اهمیت روزافزون این مقوله در راهبرد امنیتی کلان^۳ این دولت حکایت می‌کرد. از این زاویه، افول یا تضعیف رکن حاکمیتی ملت- دولت در مناطقی خاصی که با علایمی چون گسترش تردید در باورهای ناسیونالیستی^۴، شرایط کنترل‌ناپذیر داخلی، مرزهای

1. George W. Bush.

2. National Security Document.

3. Grand Security Strategy.

4. Nationalism.

نفوذپذیر، ضعف نهادهای قضایی، مراجع انتظامی و امنیتی، وجود طیف گسترده‌ای از جوانان فقیر و ناامید می‌تواند زمینه مناسبی برای تبدیل این کشورها به مامن تروریست‌های بین‌المللی می‌باشد (حسینی، ۱۳۸۷: ۱۰۴).

لذا از مباحث اساسی که در عرصه بین‌المللی و به‌خصوص امنیت بین‌المللی مطرح می‌باشد بحث مربوط به دولت‌های فرومانده می‌باشد که در عصر حاضر به‌طور گسترده‌ای در مذاکرات دیپلماتیک^۱ در امنیت جهانی، حفظ صلح، کاهش فقر، کمک‌های بشردوستانه و همچنین موافقتنامه‌های تجاری بین‌المللی استفاده می‌شود. مفهوم دولت‌های فرومانده همچنین به‌طور گسترده‌ای پس از ۱۱ سپتامبر توسط حکومت آمریکا و همچنین تحلیل‌گران سیاسی به‌خصوص در رابطه با امنیت جهانی بکار برده شده است. درواقع یکی از مهمترین مسایلی که در رابطه با کشورهای فرومانده وجود دارد این است که چگونه این دولت‌ها به تهدیدهای فراملی نسبت به صلح و امنیت جهانی ارتباط می‌یابند؟ طبق گزارشی که آژانس توسعه بین‌الملل ایالات متحده^۲ در سال ۲۰۰۳ ارائه داده است، وقتی که توسعه و حکومت در کشوری شکست بخورد عواقبش تمام مناطق جهان را در بر می‌گیرد. تروریسم، خشونت سیاسی، جنگهای داخلی، جرایم سازمان‌یافته، قاچاق مواد مخدر، بیماری‌های عفونی، بحران زیست‌محیطی، جریان پناهندگی و مهاجرت دسته‌جمعی در مرزهای کشورهای ضعیف‌تر به‌صورت مخرب‌تر از قبل وجود خواهد داشت (Patrick, 2007: 652). درهرحال، چه امنیت به مفهوم سنتی در نظر گرفته شود و چه امنیت انسانی با دولت‌های شکننده ارتباطی وثیق دارد؛ بنابراین، نه‌فقط کارآمدی یا ناکارآمدی دولت در برقراری نظم اجتماعی و دفاع گروهی در برابر خارجی‌ها به امنیت فرد مربوط است، بلکه ممکن است دولت خود به‌منبع مناقشه و تهدید بدل شده و به ناامنی‌های بیشتر برای افراد دامن بزند (یزدان فام، همان: ۱۹).

یک. عراق به‌عنوان یک دولت فرومانده

عراق از جمله کشورهایی محسوب می‌گردد که در آن حکومت کارآیی لازم را برای انجام کارویژه‌های خود ندارد. مهمترین واقعیت تاریخی عراق، ساختگی یا جعلی بودن آن و به‌ویژه، مرزهای سیاسی

1. Diplomatic.
2. USAID.

آن است. درواقع، عراق به صورت کشور، پدیده‌ای است که با فروپاشی امپراتوری عثمانی و با تدبیر سیاسی- نظامی بریتانیا تاسیس شد و محدوده عراق کنونی حاصل تعریف مرزهای آن از سوی انگلیس و به صورت سیاسی و نه جغرافیایی است که به همین دلیل، معضلات جغرافیایی و سیاسی بسیاری برای این کشور به وجود آورده است. هرچند که مردم این کشور تاکنون چند بار برای برپایی نهادهای حکومتی آن به پای صندوق‌های رای رفته‌اند. این ویژگی تاریخی موجب شده است احساس دولت داشتن یا احساس تعلق به دولت هیچ‌گاه در متن گروه‌های اجتماعی عراق شکل نگیرد و به لحاظ هویتی، حکومت همواره متعلق مفهوم دیگری و نه خودی باشد. نتیجه این امر شکل‌ناپذیری و قوام‌ناپذیری روحیه ملی در این کشور و بی‌اعتمادی گروه‌های قومی- قبیله‌ای به حکومت‌ها در برقراری و تامین امنیتشان بوده است (پورسعید، ۱۳۸۹: ۱۹۳-۱۹۰). اگرچه در گذشته تلاش حکومت‌ها ایجاد یک اقتدار عالیه از طریق اقدامات نظامی بوده است؛ اما در حال حاضر حکومت عراق از توانایی لازم به منظور ایجاد اقتدار در سرزمین خود را نداشته و حکومت نمی‌تواند خواسته‌های شهروندان خود را برآورده ساخته و نیازهای مردم را تامین کند. عراق از دو شکاف جدی برخوردار است؛ نژادی و مذهبی. شکاف کردها و اعراب و نیز شیعه و سنی. این شکاف‌ها به گونه‌ای است که پر کردن آنها کار مشکلی است؛ به عنوان مثال، بحث کردی و عربی، نژادی است و بر تفاوت میان آنها تاکید دارد. درعین حال، بحث شیعه و سنی نیز بر شکاف مذهبی اشاره دارد که این شکاف را حتی میان کردها نیز افزایش می‌دهد (غریاق زندی، ۱۳۸۹: ۱۷).

درواقع یکی از خصوصیات بارز جامعه عراق عدم تجانس مردم این کشور است که نتیجه تظاهر دولت‌ها به داشتن حساسیت و احترام نسبت به ارزش‌های گروه‌های مختلف قومی و گروه‌های مذهبی می‌باشد. به موجب این امر دولت‌ها نیز از هراس آنکه مبدا گرایش گروه‌های مرکزگريزانه، منجر به فروپاشی کشورشان گردد، سعی می‌کنند حکومت مرکزی قوی را تشکیل دهند. از زمان استقلال عراق، در سال ۱۹۳۲، رژیم‌های حاکم بر این کشور نسبت به یکدیگر دارای تفاوت‌های عمده‌ای بوده‌اند. هر رژیم حاکمی، نسبت به میزان توسل به خشونت برای رویارویی با مخالفین کرد، شیعه و دیگر گروه‌های قومی مذهبی و حتی در مواجهه با مخالفین سیاسی برخاسته از میان سنیان حاکم، با دیگر رژیم‌ها دارای تفاوت‌های کیفی عمده‌ای بوده است (پورقمی، ۱۳۸۱: ۱۱۷)؛ بنابراین جامعه عراق با مشکلات اساسی روبه‌رو بوده است و دولت نیز عملاً کنترل خود

را بر بخش‌های مختلفی از سرزمین خود را از دست داده است. طبق گزارش بانک جهانی دولت فعلی عراق با چالش‌های اساسی مواجه می‌باشد. این چالش‌ها شامل فشار مداوم بر ساختار سیاسی، بحران نظامی و همچنین یک وضعیت اقتصادی دشوار ناشی از کاهش قیمت نفت است (World Bank, 2016). علاوه بر معضلات مذکور ویرانی‌های عظیم ناشی از جنگ و تعلل امریکا در بازگرداندن امنیت و خدمات رفاهی، باعث عمیق‌تر شدن شکاف مزبور شده است (ناکاش، ۱۳۸۲: ۷۰)؛ و عراق را به سمت یک نمونه از دولت فرومانده سوق داده است.

دو. مولفه‌های دولت عراق به‌عنوان یک دولت فرومانده

عراق از بسیاری از مولفه‌های مربوط به یک دولت فرومانده را که در مباحث قبلی بدان اشاره نمودیم دارا می‌باشد. چه به لحاظ سیاسی حکومت از ویژگی‌های سیاسی لازم برای اعمال حکومت و پاسخ‌گویی به شهروندان خود برخوردار نیست و چه به لحاظ اقتصادی، رفاه اجتماعی و تامین امنیت که از کارآیی لازم برخوردار نبوده و نمی‌تواند از عهده نیازهای شهروندان خود در این زمینه برآید. در این بخش به‌طور خلاصه هر یک از مولفه‌های مربوط به دولت‌های ضعیف و درمانده را در رابطه با عراق موردبررسی قرار می‌دهیم.

۱-۲. سیاسی

در حوزه سیاسی حکومت عراق که پس از حمله ایالات‌متحده به این کشور شکل گرفت، نمونه یک حکومت بسیار ضعیف بوده است و نتوانسته است مولفه‌های مربوط به یک حکومت قوی را برخوردار گردد. یکی از مهمترین مولفه‌های مربوط به بحث حکومت‌داری خوب در یک کشور بحث اثربخشی دولت است؛ اما در عراق دولت اثربخشی را تا حد زیادی از دست داده است و متعاقب آن نیز حاکمیت قانون، کنترل فساد و آزادی مردم معنای خود را برای شهروندان در عراق از دست داده است. در حال حاضر حکومت تنها بر بخشی از سرزمین خود اعمال حاکمیت دارد و مهمترین مسئله برای حکومت که اقتدار عالی در سرتاسر خود می‌باشد از دست رفته است. داعش در حال حاضر بر بخش‌هایی از سرزمین عراق تسلط یافته و این مسئله موجب شده است که دولت بیش‌ازپیش در حوزه سیاسی ناتوان گردد. درواقع پس از حمله آمریکا به عراق در میان همه هرج‌ومرج شامل شورش‌ها، خشونت فرقه‌ای، غارت، هجوم شورشیان خارجی و قتل و ترور بود که ایجاد یک حکومت،

طلب شد (Fattah, 2009: 260). لذا حکومت شکل گرفته نتوانست به معنای واقعی کارویژه‌های خود را انجام داده و قوام یابد.

۲-۲. اقتصادی

به لحاظ اقتصادی دولت عراق در یک وضعیت فاجعه باری به سر می‌برد به گونه‌ای که نرخ رشد آن در سال ۲۰۱۴، دو درصد بوده است و سرانه تولید ناخالص داخلی نیز ۷،۱۰۰ دلار در سال ۲۰۱۳ می‌باشد. طبق گزارشی که نیویورک تایمز^۱ از وضعیت فعلی اقتصاد عراق ارایه داده است اوضاع اقتصادی بسیار بدی بر عراق حاکم شده به گونه‌ای که شهروندان عراقی پول‌های خود را از بانک‌ها خارج می‌کنند؛ چراکه باخبر شده‌اند که دیگر پول کافی در بانک‌ها نیست. وضعیت اقتصادی به اندازه‌ای بد شده است که وضعیت بیمارستان‌ها به قبل از دهه شصت بازگشته که دلیل عمده آن به تحریم‌های دهه نود و محرومیت‌های اقتصادی و بحران‌های امنیتی و سیاسی یک دهه اخیر بازمی‌گردد. نزدیک به ۸ میلیون نفر در عراق با تکیه بر حقوق یا درآمدهای دولتی زندگی می‌کنند و با کسری بودجه دولت و نبود درآمدهای کافی وضعیت معیشتی این افراد به شدت آسیب دیده است. همچنین این نگرانی وجود دارد که بحران‌های اقتصادی در کنار جنگ و بی‌خانمانی و دشمنی‌های طایفه‌ای سبب ایجاد آشوب‌های گسترده اجتماعی شود (Arango, 2016). درواقع پس از حمله آمریکا به عراق این کشور به لحاظ اقتصادی در وضعیت بسیار بدی به سر می‌برد. این وضعیت در زمان فعلی و با رشد گروه داعش بدتر شده است و امنیت در زمینه اقتصادی تا حد زیادی از دست رفته است و دولت نمی‌تواند در زمینه اشتغال رضایت مردم را جلب نماید.

۲-۳. امنیتی

به لحاظ امنیت داخلی نیز عراق از جمله کشورهای ناامن دنیا محسوب می‌گردد که فاقد بسیاری از معیارهای امنیت انسانی می‌باشد. عراق معروف به کشور کودتاها بوده و همواره بر سر قدرت سیاسی در این کشور نزاع و کشمکش وجود داشته است. در سال‌های اخیر نیز شاهد افزایش درگیری و کشمکش در این سرزمین بوده‌ایم. این مسئله موجب شده است که دولت عراق از یک فضای ناامن برخوردار شود؛ به عنوان مثال در رابطه با امنیت بانوان در این کشور باید گفت که در سال ۱۳۸۹، ۸۶ درصد بانوان بر این عقیده هستند که آن گونه که دوست دارند، نمی‌توانند

1. The New York Times.

در خیابان حضور داشته باشند، ۶۳ درصد گفته‌اند که نمی‌توانند خودرویی را برانند، ۵۳ درصد بر این باورند که نمی‌توانند کاری بیرون از خانه پیدا کنند (خانگی، ۱۳۸۹: ۵۰-۴۰). در آمار سالانه جهانی رفاه انستیتیوی لگاتوم^۱ عراق به‌عنوان یکی از ناامن‌ترین کشورهای دنیا شناخته شده است که به دلیل حضور گروه تروریستی داعش نمی‌توان از امنیت در این کشور برخوردار گشت. بسیاری از خیابان‌های عراق هنوز هم بی‌قانون و خطرناک هستند. شورشیان با شلیک اسلحه و بمب‌های خیابانی در طول سال موجب ناامنی و کشتار می‌شوند (Jackson, 2011). ناامنی شکل گرفته در عراق نه‌تنها برای امنیت خود کشور خطرات و بحران‌های اساسی را به وجود آورده است، بلکه امنیت بین‌المللی را نیز به خطر انداخته است که در بخش بعدی به بررسی آن خواهیم پرداخت. مسئله‌ای که در رابطه با ایجاد ناامنی در عراق باید به آن توجه داشت، این است که ناامنی در این کشور صرفاً نتیجه مولفه‌های داخلی نیست بلکه مولفه‌های بین‌المللی نیز در ناامنی و ناتوانی دولت نقش داشته است. وقتی که ایالات متحده پس از ۱۱ سپتامبر تصمیم به تدوین سیاست خاورمیانه‌ای خود گرفت بر مقابله با دولت‌های یاغی تاکید شد. دولت بوش بالاخره رژیم صدام را محور شرارت دانسته و به آن حمله نمود که این مسئله بین‌المللی نیز یکی از دلایل ناامنی و ورشکستگی دولت عراق می‌باشد (Barak, 2007: 466).

۲-۴. رفاه اجتماعی

در حوزه رفاه اجتماعی دولت عراق از وضعیت به‌مراتب بدتری برخوردار است. وزیر بازرگانی عراق در سال ۲۰۰۶ اعلام کرد که میزان بیکاری ملی و کم‌کاری در این کشور بین ۵۰ تا ۶۰ درصد است. در سال ۲۰۱۴ نرخ بیکاری این کشور حدود ۱۷ درصد بوده است. وضعیت نامناسب اقتصادی و فقر شدید در عراق بعد از سقوط صدام پیامدهای زیادی را به دنبال داشته است، از آثار بسیار مهم این وضعیت، ظهور پدیده قاچاق زنان و کودکان است. زنان و کودکانی که به علت شرایط بد زندگی خانواده‌ها، با قیمت بسیار کمی توسط باندهای قاچاق از خانواده‌ها خریداری و به خارج از مرزهای عراق منتقل می‌شوند. آموزش و پرورش در عراق بسیار ضعیف است به‌نحوی که از روزهای آغاز حمله آمریکا به عراق، بسیاری از مراکز آموزشی و کتابخانه‌ها نظیر کتابخانه ملی بغداد تخریب و کتب و وسایل آنها چپاول شدند. علاوه بر این تعدادی از وزارت خانه‌ها، از جمله وزارت آموزش و پرورش

1. Legatum Institute.

تعطیل شدند. به لحاظ بهداشتی نیز دولت عراق در وضعیت بسیار اسفباری به سر می‌برد. حمله نیروهای آمریکایی به عراق باعث تعطیل شدن ۱۷ وزارتخانه (ازجمله وزارتخانه بهداشت) شد و به بیمارستان‌های عراق نیز حملاتی انجام گرفت که باعث تخریب آنها و مشکلات درمانی گردید (غفاری هاشجین و دیگران، ۱۳۸۹: ۸۱-۷۱).

سه. تاثیر دولت عراق به عنوان یک دولت فرومانده بر امنیت بین الملل

یکی از مهمترین تاثیراتی که ناامنی و شکنندگی دولت عراق می‌تواند داشته باشد مربوط به حوزه ماورای مرزهای آن و امنیت بین‌المللی است. در رابطه با بحث تاثیر دولت‌های فرومانده در امنیت بین‌الملل باید به شکل‌گیری موضوعات جدید در عرصه روابط بین‌الملل توجه داشت. درواقع بسیاری از دیدگاه‌های جدید در روابط بین‌الملل، مانند مکتب کپنهاگ^۱ اگرچه دولت‌ها را همچنان به عنوان بازیگران اصلی مورد توجه قرار می‌دهند؛ اما از نقش موضوعات جدیدی که در مباحث امنیتی جدید مطرح می‌شود غافل نیستند. نظریه پردازان مکتب کپنهاگ بر اساس برداشت جدیدی که از امنیت دارند موضوعات جدیدی را نیز در حوزه مسایل امنیتی قرار می‌دهند. بوزان^۲ در این زمینه اشاره می‌کند که مسئله امنیت نباید به خودی خود یک هدف در نظر گرفته شود؛ بلکه پدیده‌ای است که در بستر یک فرآیند^۳ پیچیده معنا می‌یابد. در برخورد با مسایل امنیتی ضروری است که قبل از اینکه عطف توجه به ظاهر و حادثه رخ داده شود، فرآیند مولد تهدید امنیتی مدنظر قرار گیرد؛ بنابراین در جهانی واحد با فرض مولفه‌هایی به فرض یکسان می‌توان به دو وضعیت کاملاً متفاوت رسید: با یک فرآیند مسئله‌ای واحد را امنیتی یا تهدید امنیتی تلقی کرد (فرآیند امنیتی کردن)^۴ و برعکس با فرآیندی دیگر می‌توان مسئله‌ای را از حوزه امنیتی خارج نمود (فرآیند غیرامنیتی کردن)^۵. (بوزان، ۱۳۷۹: ۱۴-۱۳). تهدید وجودی تنها در ارتباط با ویژگی‌های خاص هدف مرجع مربوط به موضوع می‌تواند فهمیده شود. هدف مرجع چیزی است که احساس می‌شود به لحاظ وجودی تهدید شده است (Buzan and others, 1998: 21). بر این اساس است که مسایل و

1. Copenhagen School.

2. Barry Buzan.

3. Process.

4. Securitization.

5. Unsecuritization.

موضوعات جدید نیز می‌تواند وارد فرآیند امنیتی شدن شود. بحث مربوط مکتب کپنهاگ از این‌رو برای ما حایز اهمیت است که دغدغه و موضوعات امنیتی را صرفاً نظامی نمی‌داند و طیف وسیعی از مشکلات و موضوعات جدید را مورد توجه قرار می‌دهد. دولت عراق به‌عنوان یک دولت فرومانده نیز بر این اساس می‌تواند طیف وسیعی از معضلات امنیتی را برای امنیت بین‌الملل در برداشته باشد. در این بخش به بررسی بخشی از این مسایل و معضلاتی که دولت عراق به‌عنوان یک دولت فرومانده می‌تواند داشته باشد می‌پردازیم.

به‌منظور نشان دادن این مسئله که دولت فرومانده عراق از چه طریقی می‌تواند امنیت بین‌الملل را به خطر اندازد ما موضوعات مختلفی را که درواقع نوعی تهدید برای امنیت بین‌الملل محسوب می‌شوند و از جامعه عراق برخاسته‌اند را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۳-۱. تهدیدهای اجتماعی^۱

تهدیدهای اجتماعی در رده امنیت اجتماعی قرار می‌گیرند که از موضوعات جدید در مباحث امنیت بین‌الملل است. «امنیت فردی»^۲ آرامش و آسایشی است که فرد بدون در نظر گرفتن امکانات جامعه و دولت برای خود فراهم می‌کند؛ اما «امنیت اجتماعی» عبارت است از: آرامش و آسودگی خاطری که جامعه و نظام سیاسی برای اعضا خود ایجاد می‌کند (صادقی، یزدانی، ۱۳۸۹: ۷۱). تهدیدهای اجتماعی می‌توانند امنیت اجتماعی را به خطر انداخته و همچنین امنیت فرد را به‌عنوان جزیی از اجتماع به مخاطره اندازد. فقر، مهاجرت، قاچاق مواد مخدر، بیماری‌های عفونی و... از مهمترین مولفه‌ها و تهدیدهای اجتماعی می‌باشند که دولت‌های فرومانده می‌توانند از عاملان اصلی شکل‌گیری چنین تهدیدهایی در نظام بین‌الملل محسوب شوند. درواقع امنیت اجتماعی به موضوعاتی مانند فقر و سلامتی افراد مربوط می‌گردد و نه تهدیدات نظامی (Booth, 2007: 165) که به‌صورت مستقیم و در چارچوب زور، بقای افراد را به خطر می‌اندازد. دولت عراق از بسیاری از مولفه‌های مربوط به تهدیدهای اجتماعی برخوردار است که برای جامعه جهانی^۳ خطرآفرین می‌باشد. یکی از تهدیدات اساسی که دولت عراق برای جامعه جهانی داشته است مربوط به پناهندگان و مهاجران عراقی در دیگر کشورها به‌خصوص کشورهای اروپایی می‌باشد.

1. Social Treat .
2. Individual Security.
3. World Society.

عراقی‌ها یکی از درخواست‌دهندگان پناهندگی در کشوری مثل آلمان بوده‌اند که حضور آنها در کشورهای اروپایی می‌تواند مشکلات و بحران‌های چالش‌برانگیزی را به وجود آورد. علاوه بر این بسیاری از معضلات و تهدیدات اجتماعی دیگر که از کشور عراق سرچشمه می‌گیرد می‌تواند برای فضای بین‌المللی خطرناک باشد. بیماری‌های عفونی و واگیر ناشی از عدم رعایت بهداشت در عراق از مهمترین تهدیداتی است که در عراق وجود داشته و می‌تواند به فضای بین‌المللی تسری یابد. آژانس کودکان سازمان ملل (یونیسف)^۱ درباره شیوع گسترده بیماری وبا در عراق، به‌ویژه امکان افزایش ابتلای کودکان و زنان بی‌خانمان به این بیماری در نوامبر ۲۰۱۵ هشدار داده است. پیترو هاکینز^۲، نماینده یونیسف در عراق در بیانیه‌ای اعلام کرد: «متأسفانه خطر بالایی وجود دارد که بیماری وبا به مناطق بیشتری از عراق گسترش یافته و زنان و کودکان بی‌خانمان و خانواده آنان را تحت‌تاثیر قرار دهد، بنابراین ما باید به سرعت اقدام کنیم.» هاکینز همچنین گفته است: «امکان شیوع منطقه‌ای این نوع بیماری وجود دارد و این خطر می‌تواند با افرادی که از کل منطقه به عراق می‌آیند، افزایش یابد... در کویت، بحرین و سوریه نیز مواردی از وبا تایید شده است.» (پرس تی وی، ۱۳۹۴). علاوه بر این قاچاق مواد مخدر و اشیای باستانی که توسط داعش صورت می‌گیرد نیز می‌تواند برای امنیت بین‌المللی خطرناک باشد. به‌طور کلی تهدیدات ناشی از مولفه‌های اجتماعی یکی از مهمترین معضلاتی بوده است که عراق برای جامعه بین‌المللی داشته است و حل این معضلات نیز نوعی مدیریت جمعی را می‌طلبد.

۳-۲. تهدید اقتصادی

یکی از مسایل دیگری که در رابطه با تهدید دولت‌های فرومانده برای جامعه جهانی مطرح می‌باشد مسئله امنیت اقتصادی است. امنیت اقتصادی در دنیای پس از جنگ سرد، به‌طور روزافزونی به‌عنوان بعدی از امنیت مطرح شد. دانش‌پژوهان و سیاست‌گذاران ضمن تایید ارتباط امنیت اقتصادی با سلامت جامعه، به‌دنبال راه‌های جدیدی برای وارد کردن موضوعات اقتصادی در راهبردهای سنتی دفاعی بوده‌اند. خطر بزرگی که امروز در مورد نظریات رایج «امنیت اقتصادی» وجود دارد این است که به غلط آن را تنها بعد مهم در امنیت ملی تلقی کنیم؛ چنان‌که در دوران

1. UNICEF.

2. Peter Hawkins.

گذشته نیز چنین برداشتی درباره «امنیت نظامی» وجود داشت. امنیت اقتصادی عبارت است از: میزان حفظ و ارتقای شیوه زندگی مردم یک جامعه از طریق تامین کالاها و خدمات، هم از مجرای عملکرد داخلی و هم حضور در بازارهای بین‌المللی (سیف، ۱۳۸۹: ۱۰). بررسی‌های سازمان سیا^۱ بر مقابله با طیف وسیعی از تهدیدهای امنیت ملی در «حوزه خاکستری»^۲ که نمود مولفه‌های اقتصادی که شامل جاسوسی و خراب‌کاری در کسب و کار، تجارت مواد مخدر، اختلال در واردات نفت، شکار غیرقانونی در آب‌های سرزمینی و... می‌باشد تاکید می‌کند (Cable, 1995: 306). رشد گروه تروریستی داعش و آوارگی حدود ۵ میلیون نفر انسان در عراق زمینه را برای راه‌های غیرقانونی درآمد اقتصادی در عراق و ماورای مرزها برای شهروندان این کشور فراهم نموده است. یکی از ناامنی‌های اقتصادی که در این کشور شکل گرفته است قاچاق نفت و به خطر افتادن امنیت انرژی است. ژنرال «سرگئی رودسکوی» رییس اداره عملیات وزارت دفاع روسیه اعلام کرده است که با توجه به تصاویر ماهواره‌ای تجسسی، حدود ۱۲ هزار کامیون و خودرو نفتکش در مرز ترکیه و عراق حامل نفت قاچاق تروریست‌ها تجمع کرده و در تردد بودند (خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۹۴). امنیت مربوط به تجارت نفت نه تنها برای خود دولت عراق، بلکه برای کشورهای دیگر نیز به خطر افتاده است؛ به‌عنوان مثال لوله‌های انتقال نفت ترکیه در مرزهای عراق به‌شدت در خطر تهدیدات گروه‌های قومی در عراق قرار دارند، درحالی‌که ترکیه یکی از واسطه‌های انتقال نفت به اروپا محسوب می‌شود. عراق همچنین یکی از کشورهایی محسوب می‌شود که در حوزه خلیج فارس دارای خط ساحلی است و اگر گروه داعش به این منطقه دست یابد به‌راحتی می‌تواند تجارت نفت در این حوزه را به خطر انداخته و در تغییر اقتصاد جهانی و قیمت نفت تاثیرگذار باشد. علاوه بر این بسیاری از خطوط ارتباطی که عراق و دیگر کشورهای دنیا را جهت مبادلات اقتصادی بهم متصل می‌کند ناامن شده و این مسئله می‌تواند بر مکانیسم‌های اقتصاد و تجارت جهانی تاثیرگذار باشد.

۳-۳. تهدید فیزیکی

منظور از امنیت فیزیکی تهدیدهایی است که به‌صورت مستقیم بقای انسانی را به خطر می‌اندازد و معمولاً از طریق ادوات نظامی و به‌صورت انتحاری توسط گروه‌های تروریستی انجام می‌پذیرد؛

1. Cia.

2. Grey Area.

مانند اقداماتی که گروه تروریستی داعش در فرانسه شکل داد که موجب مرگ تعداد زیادی از شهروندان فرانسوی شد. دولت فرومانده عراق با ایجاد زمینه‌های رشد گروه‌های تروریستی تهدیدی اساسی را برای نظام بین‌الملل به وجود آورده است و اساس توجه جرج بوش به عراق نیز مبتنی بر همین مسئله بوده است. گروه تروریستی داعش نه تنها در بسیاری از شهرهای اروپایی و دیگر کشورهای دنیا دست به برخی از اقدامات تروریستی زده، بلکه نوعی رعب و وحشت را نیز در فضای بین‌المللی به وجود آورده است. گروه تروریستی داعش با حمله به رستوران‌ها، یک سالن کنسرت و یک استادیوم ورزشی در حین بازی فرانسه - آلمان در پاریس حدود ۱۵۳ نفر را به قتل رساندند (تسنیم، ۱۳۹۴). در کویت نیز با حمله به یک مسجد تعداد زیادی از شهروندان این کشور و سایر کشورها را به قتل رساندند. همچنین گروه داعش با بمب‌گذاری در هواپیمای روسیه در مصر تعداد زیادی از شهروندان روسی را کشت. علاوه بر این در خود عراق نیز فضا برای شهروندان خارجی ناامن شده و از زمان شکل‌گیری گروه داعش و نزاع در این کشور تعداد زیادی از شهروندان دیگر دولت‌ها توسط داعش کشته شده‌اند؛ بنابراین دولت فرومانده عراق نه تنها امنیت بین‌المللی را از طریق مولفه‌های جدید امنیت و تهدیدات جدید به خطر انداخته، بلکه در حوزه بقا و امنیت فیزیکی نیز تهدیدی اساسی را علیه امنیت بین‌المللی به وجود آورده است. در عراق دولت آنقدر ضعیف است که زمینه برای کشمکش گروه‌های مختلف فراهم شده است و ناتوانی دولت در برخورد با گروه‌های تروریستی زمینه را برای مداخله بسیاری از کشورها، از جمله قطر و عربستان در خاک این کشور فراهم نموده است که این مسئله خود زمینه را برای تنش بیشتر فراهم نموده است.

نتیجه‌گیری

نگرش‌های متفاوتی در رابطه با علل شکل‌گیری دولت‌های فرومانده وجود دارد که هر یک از نگرش‌ها بر اساس اصول و مفروضات خود، ادله‌های متفاوتی را برای شکل‌گیری چنین دولت‌هایی ارائه می‌دهند. بکارگیری نظریه مکتب کپنهاگ درواقع مجال و فرصت بیشتری را برای بررسی مسایل جدید امنیتی به پژوهش‌گران روابط بین‌الملل می‌دهد. بر این اساس ضعف و درماندگی دولت عراق زمینه را برای شکل‌گیری سه نوع تهدید اجتماعی، اقتصادی - تجاری و فیزیکی را برای فضای بین‌الملل فراهم ساخت. عراق به‌عنوان مصداق کشورهای فرومانده و ناامن، فاقد بسیاری از

معیارهای امنیت انسانی می‌باشد و اثربخشی خود را تا حد زیادی از دست داده است و متعاقب آن نیز حاکمیت قانون، کنترل فساد و آزادی مردم معنای خود را برای شهروندان در عراق از دست داده است.

در حوزه رفاه اجتماعی دولت عراق، میزان بیکاری، وضعیت نامناسب اقتصادی و فقر شدید، ظهور پدیده قاچاق زنان و کودکان، نبود مراکز آموزشی و کتابخانه‌ها و افزایش تعداد بی‌سواد از وضعیت بدتری برخوردار است. یکی از مهمترین تاثیراتی که ناامنی و شکنندگی دولت عراق می‌تواند داشته باشد مربوط به حوزه ماورای مرزهای آن و امنیت بین‌المللی است. تهدیدهای اجتماعی همچون فقر، مهاجرت، قاچاق مواد مخدر، بیماری‌های عفونی و... از مهمترین مولفه‌ها و تهدیدهای اجتماعی می‌باشند که دولت‌های فرومانده می‌توانند از عاملان اصلی شکل‌گیری چنین تهدیدهایی در نظام بین‌الملل محسوب شوند.

از تهدیدات اساسی دولت عراق برای جامعه جهانی پناهندگان و مهاجران عراقی در دیگر کشورها، به‌خصوص کشورهای اروپایی می‌باشد که حضور آنها در این کشورها می‌تواند مشکلات و بحران‌های چالش‌برانگیزی مانند بحران کار، فقر و بهداشت از جمله بیماری‌های عفونی و واگیر را به وجود آورند که حل این معضلات نیز نوعی مدیریت جمعی را می‌طلبد. رشد گروه تروریستی داعش و آوارگی میلیون‌ها عراقی زمینه را برای راه‌های غیرقانونی درآمد اقتصادی در عراق و ماورای مرزها برای شهروندان این کشور فراهم نموده است که ناامنی‌های اقتصادی و قاچاق نفت و به خطر افتادن امنیت انرژی را در این کشور ایجاد کرد. خطوط ارتباطی که عراق و دیگر کشورهای دنیا را جهت مبادلات اقتصادی بهم متصل می‌کند ناامن شده و این مسئله می‌تواند بر مکانیسم‌های اقتصاد و تجارت جهانی تاثیرگذار باشد. در حوزه تهدید فیزیکی دولت فرومانده عراق با ایجاد زمینه‌های رشد گروه‌های تروریستی تهدیدی اساسی را برای نظام بین‌الملل به وجود آورده است.

دولت فرومانده عراق نه تنها امنیت بین‌المللی را از طریق مولفه‌های جدید امنیت و تهدیدات جدید به خطر انداخته، بلکه در حوزه بقا و امنیت فیزیکی نیز تهدیدی اساسی را علیه امنیت بین‌المللی به وجود آورده است. دولت فرومانده عراق زمینه را برای کشمکش گروه‌های مختلف فراهم نموده و ناتوانی دولت در برخورد با گروه‌های تروریستی زمینه را برای مداخله بسیاری از کشورها از جمله قطر و عربستان در خاک این کشور را فراهم نموده است.

فهرست منابع:

۱. روتبرگ، روبرتی. (۱۳۸۱)، «دولت- ملت‌های ناکام و امنیت بین‌المللی»، ترجمه نرگس اثباتی، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۸۵ و ۱۸۶.
۲. رضایی، داود. (۱۳۸۴)، «مطالعات بین‌الملل: تحول مفهوم دولت در نظریه‌های روابط بین‌الملل»، مجله مطالعات راهبردی، شماره ۲۷.
۳. یزدان فام، محمود. (۱۳۸۸)، «دولت‌های شکننده و امنیت انسانی»، مجله مطالعات راهبردی، شماره ۴۶.
۴. کیوان حسینی، اصغر. (۱۳۸۷)، «نظریه دولت ضعیف و فرومانده: باز تعریف جغرافیای سیاسی خشونت»، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، سال ۱۶، شماره ۱۶.
۵. شریعت، فرشاد. (۱۳۸۲)، «تحول جامعه مدنی در اندیشه سیاسی غرب (۵) هابز؛ قدرت فرد و آزادی دولت»، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۸۷ و ۱۸۸.
۶. پورقمی، علی. (۱۳۸۱)، «ارتش عراق ضعف نظامی و کارایی سیاسی»، مجله مطالعات دفاعی و امنیتی، شماره ۳۱.
۷. پورسعید، فرزاد. (۱۳۸۹)، «برآورد استراتژیک عراق آینده»، مجله مطالعات راهبردی، شماره ۴۷.
۸. غریب‌زندی، داوود. (۱۳۸۹)، «فرآیند ملت - دولت‌سازی، شکل‌گیری هویت ملی و بازسازی در عراق: تجارب تاریخی و دورنمای آینده»، مجله مطالعات راهبردی، شماره ۴۷.
۹. ناکاش، پیتزاک. (۱۳۸۲)، «بدون مانیفیست نگاهی به وضعیت کنونی شیعیان عراق»، ترجمه محمدعلی معتمدیان، مجله زمانه، شماره ۱۳.
۱۰. خانبگی، رامین. (۱۳۸۹)، «جستاری بر وضعیت بانوان در عراق»، مجله پژوهش‌نامه زنان، شماره ۱.
۱۱. هنجین، زاهد غفاری. کشاورز شکری، عباس. حیدرخانی، هابیل. (۱۳۸۹)، «وضعیت اجتماعی عراق بعد از سقوط نظام بعثی»، مجله رهیافت انقلاب اسلامی، سال چهارم، شماره ۱۲.
۱۲. بوزان، بری. (۱۳۷۹)، «آشنایی با مکتب کپنهاگ در حوزه مطالعات امنیتی»، مصاحبه با بری بوزان، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال سوم، شماره سوم.
۱۳. صادقی، زهرا. یزدانی، عنایت‌الله. (۱۳۸۹)، «امنیت اجتماعی و تاثیر آن بر امنیت ملی ایران (در قالب تهدیدات فرهنگی - اجتماعی)»، مجله مهندسی فرهنگی، شماره ۳۹ و ۴۰.
۱۴. تعداد آوارگان عراقی به پنج میلیون نفر رسید. (۱۳۹۴)، خبرگزاری تابناک قابل دسترس در: <https://www.tabnak.ir>
۱۵. یونیسف درباره شیوع گسترده بیماری وبا در عراق و منطقه هشدار داده است. (۱۳۹۴)، پرس تی وی، قابل دسترس در: <http://www.presstv.ir/DetailFa/2015/11/07/436635/Iraq-Cholera-UNICEF-Peter-Hawkins-Syria-Arbacen>

۱۶. سیفالله، مراد. (۱۳۸۹)، «مفهوم شناسی امنیت اقتصادی»، مجله آفاق امنیت، شماره ۹.
۱۷. روسیه: قاچاق نفت از سوریه و عراق به ترکیه ادامه دارد، (۱۳۹۴)، خبرگزاری جمهوری اسلامی، قابل دسترس در: <http://www.irna.ir/fa/News/81893823>
۱۸. چرا فرانسه مرکز عملیات تروریستی داعش شد؟ (۱۳۹۴)، خبرگزاری تسنیم، قابل دسترس در: <http://www.tasnimnews.com/fa/news/1394/08/23/916061/%DA%86%D8>
19. Nay, Olivier. (2013), "Fragile and failed states: Critical perspectives on conceptual hybrids", International Political Science Review, vol43, no3.
20. T. Call, Charles. (2010), "Beyond the 'failed state': Toward conceptual alternatives", European Journal of International Relations, vol17, no2.
21. T Call, Charles. (2008), "The Fallacy of the 'Failed State', Third World Quarterly", Vol. 29, No. 8.
22. THURER, DANIEL. (1999), "The failed State and international law", IRRC DECEMBER 1999 VOL.81, No836.
23. Patrick, Stewart. (2007), "Failed States and Global Security: Empirical Questions and Policy Dilemmas", International Studies Review, vol9.
24. Iraq data world bank. (2016). at: <http://databank.worldbank.org/data/reports.aspx?source=2&country=IRQ&series=&period>.
25. ARANGO, TIM. (2016), "Battered by War, Iraq Now Faces Calamity From Dropping Oil Prices", at: <http://www.nytimes.com/2016/02/01/world/middleeast/battered-by-war-iraq-now-faces-calamity-from-dropping-oil-prices.html>?
26. MITZEN, JENNIFER. (2006), "Ontological Security in World Politics: State Identity and the Security Dilemma", European Journal of International Relations, Vol. 12, no.3.
27. Jackson, Peter. (2011), "The UK private security guards lured to Iraq", at: <http://www.bbc.com/news/uk-10838223>.
28. Barak, Oren. (2007), "Dilemmas of Security in Iraq, Security Dialogue", vol 38
29. Fattah, Hala. (2009), "A Brief History of Iraq, New York: Facts On File", Inc. An imprint of Infobase Publishing.
30. Buzan, Barry, Waever, Ole. de Wilde, Jaap. (1998), "Security: A new Framework for Analysis", London: Lynne Rienner Publisher.
31. Booth, Ken. (2007), "Theory of World Security", New York: CAMBRIDGE UNIVERSITY PRESS.
32. Cable, Vincent. (1995), "What is International Economic Security?" International Affairs (Royal Institute of International Affairs 1944), Vol. 71, No. 2.